

چکیده:

زمینه و هدف: شمس الدین محمد اسیری لاهیجی نوری، عارف، شاعر و از مشایخ سلسله نوریخشیه در قرن نهم و دهم هجری قمری است. در این پژوهش مثنوی اسرار الشهود از اسیری لاهیجی در حوزه سبک‌شناسی جملات ندایی مورد بررسی قرار گرفته است.

روش مطالعه: پژوهش حاضر با توجه به ماهیت نظری آن به روش توصیفی - تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و الکترونیکی صورت پذیرفته است. جامعه و محدوده مورد نظر کتاب «اسرار الشهود» شمس الدین محمد اسیری لاهیجی با تصحیح و مقدمه سیدعلی آل داود میباشد.

یافته‌ها: لاهیجی صاحب ابتکاراتی در خلق مناداست و در این زمینه دست به نوآوری‌هایی زده است. ابتکارات لاهیجی در خلق منادا، ۳۷ درصد از مجموع جملات ندایی این مثنوی را شامل میشود. وی همچنین در این مثنوی برخلاف بسیاری از شاعران، خود را در جایگاه منادا قرار نداده است، هم‌چنان که در اغلب جملات ندایی، در جایگاه آموزنده مفاهیم نیز قرار ندارد و آموزه‌های عرفانی و اخلاقی را در قالب حکایات و از زبان اشخاص و بزرگان متصوفه بازگو میکند. در این مثنوی به غیر از منادای خداوند و مناداهای جان و دل، باقی منادها محسوس هستند. مخاطبان مثبت لاهیجی، بزرگان متصوفه و مخاطبان منفی، افراد ناآگاه از معرفت الهی و طریق سلوک عرفانی هستند. از یافته‌های دیگر این تحقیق تأثیرپذیری لاهیجی از عطار و مولوی است، برخی از جملات ندایی این مثنوی تنها در آثار دو عارف قرن ششم و هفتم یافت میشوند که اثرپذیری لاهیجی را آشکارتر کرده است.

نتیجه‌گیری: از جمله نتایج حاصل شده، آگاهی یافتن از ویژگیهای ندا و منادا در این مثنوی، تعداد جملات ندایی، ضبط هر یک از آن‌ها و بسامد تکرار آنها در تحقیق حاضر است. بر اساس جامعه آماری، لاهیجی از یکصد و یازده جمله ندایی، صد و هفتاد و شش مرتبه در متن این مثنوی بهره برده است. بالاترین بسامد در میان حروف ندایی، حرف نقش نمای «ای» است. منادای خداوند در این مثنوی بالاترین بسامد را داراست. کمترین بسامد نیز متعلق به نامهای افراد است. نامهای منادا در مجموع یک درصد از جملات ندایی این مثنوی را به خود اختصاص داده‌اند. غالباً در محتوای جملات ندایی، پیامی که به منادا انتقال داده میشود آموزه‌های عرفانی از جمله طلب عشق الهی، طلب بی‌نیازی از خلاق، ترک دنیا دنی، مفاهیم فنا و بقا، طریق وصال و برخی از ویژگیهای اخلاقی است، در مثنوی اسرار الشهود، حروف ندا همواره در جایگاه ندایی قرار ندارند و گاه افاده تعجب، افسوس و یا بیان آرزو میکنند.

تاریخ دریافت: ۱۷ دی ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۱۹ بهمن ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۰۵ اسفند ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۱ فروردین ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

سبک‌شناسی، ساختار نحوی، جملات ندایی، ندا و منادا، اسرار الشهود، اسیری لاهیجی.

* نویسنده مسئول:

s.mohamadikish@iaushiraz.ac.ir

۳۶۶۱۰۰۴۱ (+۹۸ ۷۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Stylistics of phonetic sentences in Asiri Lahiji's Masnawi "Asrar al-Shohoud".

S. Mohammadi Kish

Researcher of Persian language and literature

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 07 January 2024
Reviewed: 08 February 2024
Revised: 24 February 2024
Accepted: 09 April 2024

KEYWORDS

stylistics, syntactic structure, vocative sentences, calls and calls, Asrar al-Shohoud, Asiri Lahiji

*Corresponding Author

s.mohamadikish@iaushiraz.ac.ir

(+98 71) 36410041

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Shamsuddin Mohammad Asiri Lahiji Noorbakhshi is a mystic, poet and one of the sheikhs of the Noorbakhshi dynasty in the 9th and 10th centuries of Hijri. In this research, the Masnawi of Asrar al-Shohoud by Asiri Lahiji has been examined in the field of stylistics of phonetic sentences.

METHODOLOGY: Considering its theoretical nature, the present research was carried out using a descriptive-analytical method based on library and electronic studies. The target society and scope of the book "Secrets of Witnesses" is Shamsuddin Mohammad Asiri Lahiji with proofreading and introduction by Seyyed Ali Al Dawood.

FINDINGS: Lahiji is the owner of initiatives in the creation of monadas and has made innovations in this field. Lahiji's initiatives in the creation of monada include 37% of the total vocal sentences of this masnawi. Also, in this masnawi, unlike many poets, he has not placed himself in the position of a preacher, just as in most of the vocative sentences, he is not in the position of teaching concepts, and he has given mystical and moral teachings in the form of anecdotes and from the words of individuals and elders. The mystic recounts. In this masnawi, other than the calls of God and the calls of the soul and heart, the rest of the calls are noticeable. The positive audience of Lahiji are Sufi elders and the negative audience are people who are ignorant of divine knowledge and the way of mystical conduct. Another finding of this research is the influence of Lahiji on Attar and Maulavi, some of the vocal sentences of this Masnawi are only found in the works of two mystics of the 6th and 7th centuries, which has made Lahiji's influence more obvious.

CONCLUSION: Among the results, finding out about the features of Neda and Monada in this Masnawi, the number of Neda sentences, the recording of each of them and the frequency of their repetition in the present research. According to the statistical community, Lahiji has used one hundred and eleven phonetic phrases, one hundred and seventy-six times in the text of this masnawi. The highest frequency among phonetic letters is the letter "ey". God's call has the highest frequency in this masnawi. The lowest frequency also belongs to the names of people. Monada's names account for a total of one percent of the phonetic sentences of this Masnawi. Often in the content of Naadi's sentences, the message that is conveyed to the monada is mystical teachings such as seeking divine love, seeking no need from creation, leaving the world, the concepts of annihilation and survival, the way of connection and some moral characteristics, in the Masnawi of Asrar. Al-Shoud, phonetic letters are not always in phonetic position and sometimes express surprise, regret or wish.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7526>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 13	 1	 0

مقدمه

شمس‌الدین محمد بن یحیی بن علی لاهیجی، متخلص به «اسیری»، از بزرگان مشایخ طریقه نوریخشیه و شارح مثنوی «گلشن راز» شیخ محمود شبستری با نام «مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز» است. وی احتمالاً در دهه سوم یا چهارم قرن نهم هجری در لاهیجان پا به عرصه وجود نهاد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در ری به خدمت سید محمد نوریخش، بنیانگذار طریقت نوریخشیه، درآمد و به روایتی تا بیست سال از محضر سید استفاده نمود و تأثیر فراوانی از او پذیرفت. اسیری بعد از درگذشت سید محمد نوریخش به شیراز آمد، و آن شهر را برای ترویج طریقت خود برگزید و تا پایان عمر به مدت ۴۳ سال در شیراز بسر برد و به حل امور نوریخشیان اشتغال می‌ورزید. (ر.ک. اسیری لاهیجی، ۱۳۶۸: مقدمه، یک و شش)

مثنوی «اسرار الشهود»: این کتاب به مثنوی اسیری نیز مشهور است، به بحر رمل (هم وزن مثنوی مولانا) است و مشتمل بر تحقیقات و تمثیلات عرفانی است و در آن مطالب اخلاقی و عرفانی و سیر و سلوک در ضمن حکایات و داستانهای دلپذیر و شیرین با بیانی خوش و دلکش آمده است. سراینده در این مثنوی به آیات قرآن و احادیث نبوی و کلمات مشایخ نخستین صوفیه همچون بایزید بسطامی، معروف کرخی، شیخ سری و جنید بغدادی استناد جسته و به شرح و بسط آنها پرداخته و نتیجه مورد نظر را از آن گرفته است. تعداد ابیات این مثنوی، بیش از سه هزار بیت بوده و نسخه تصحیح شده توسط سید علی آل داوود با توجه به مقایسه جمیع نسخ خطی موجود، حاوی ۳۱۶۰ بیت می‌باشد (ر.ک. همان، بیست).

در جملات ندایی این مثنوی، یکصد و یازده ندا و منادا به کار رفته است. بسامد تکرار این جملات، یکصد و هفتاد و شش بار است که در حکایات مختلف از آنها در متن استفاده شده است. در این پژوهش با توجه به جملات ندایی این مثنوی سعی بر آن شده است که به پرسشهای زیر پاسخ مناسب و دقیقی داده شود:

- ۱- آیا در مثنوی اسرار الشهود، حروف نقش نمای ندا (ای، یا، ا) همواره حرف ندا به شمار می‌آیند؟
- ۲- تاخیر منادا در جملات ندایی مثنوی اسرار الشهود، چه علت‌هایی میتواند داشته باشد؟
- ۳- کدام اغراض ثانویه در جملات ندایی اسرار الشهود وجود دارد؟
- ۴- چه ویژگی‌هایی در ساختهای ندایی مثنوی اسرار الشهود را میتوان از ابتکارات لاهیجی قلمداد کرد؟

پیشینه تحقیق

درباره ویژگیهای مثنوی اسرار الشهود اسیری لاهیجی مقالاتی نوشته شده است، اما پژوهشی تحت عنوان «سبک‌شناسی جملات ندایی در مثنوی اسرار الشهود اسیری لاهیجی» تا کنون به چاپ نرسیده است.

ضرورت تحقیق

جملات ندایی در حوزه نحوی زبان، حاوی شگردها، اغراض ثانویه و ابتکاراتی است که بررسی و تامل در آنها سیر تطور و تحول تاریخ زبان فارسی را در ادوار مختلف، آشکارتر میسازد، لذا پژوهشهای سبک‌شناسی در کلیه آثار ادب فارسی، امری واجب و ضروری به نظر میرسد.

دستاورد تحقیق

اسرار الشهود دارای محتوای عرفانی و اخلاقی است، لاهیجی در این مثنوی خود را در جایگاه منادا قرار نداده است،

وی همچنین در جایگاه آموزنده نیز قرار نگرفته است و بسیاری از آموزه‌های عرفانی و اخلاقی را در قالب حکایات و از زبان افراد داستان و بزرگان متصوفه بازگو میکند. اسیری لاهیجی صاحب ابتکاراتی در خلق منادا است و در این زمینه دست به نوآوری‌هایی زده است که در متن تحقیق به آن‌ها اشاره میشود. ابتکارات شاعر میتواند از یافته‌های این تحقیق در حوزه سبک‌شناسی جملات ندایی باشد. در مثنوی اسرار الشهود، به غیر از منادای خداوند و مناداهای جان و دل، باقی مناداها محسوس هستند. منادای خداوند در این مثنوی بالاترین بسامد را داراست و کمترین بسامد نیز متعلق به نامهای افراد است. لاهیجی از نامها در جایگاه منادا به ندرت استفاده کرده است و نامهای منادا در مجموع یک درصد از جملات ندایی این مثنوی را به خود اختصاص داده اند.

جملات ندایی

ندا در لغت به معنی بانگ و فریاد است (دهخدا، ذیل واژه) که اسم را مورد خطاب قرار میدهد. اسمی که مورد خطاب قرار میگیرد مناداست. منادا از مباحث دستور زبان فارسی است و از جمله نقش‌هایی است که اسم میپذیرد، « اسم اگر در جمله، مورد ندا و خطاب قرار گیرد منادا نامیده میشود و نقش آن اسم را نقش منادایی یا ندایی مینامند» (انوری و گیوی، ۱۳۹۰: ۹۴). منادا به طور معمول با حرف ندا می‌آید و برای مخاطب قرار دادن خداوند، معبود (معشوق) یا هر شخص دیگری و یا هر شیئی که توسط گوینده، جاندار انگاری شده بکار میرود. هدف گوینده از جمله ندایی معمولاً موکد ساختن پیام یا مفهومی است که پیش از منادا یا پس از آن گفته میشود.

۱- معمولاً حروفی چون «ای» «یا» و حرف ندای عربی «ایا» نقش نما و حروف نشانه ندا شناخته میشوند و اسمی که بعد یا قبل از این حروف می‌آید منادا خوانده میشود.

۲- منادا شخصی است که مورد خطاب قرار میگیرد مانند: ای علی،

۳- اشیایی است که مورد خطاب قرار میگیرد مانند ای سرو، ای گل.

تعریف پیشنهادی برای حرف ندا :

«ندا حرفی است که برای مخاطب قرار دادن منادا به کار میرود. در ادبیات فارسی حرف ندا غالباً « ای » است، اما گاهی بصورت « یا » و یا در آخر منادا بصورت « الف » متصل قرار میگیرد و گاه بصورت عربی « ایا » بیان میشود. ندا همواره مذکور نیست و گاهی منادا بدون ذکر حرف ندا بیان میشود»

تعریف پیشنهادی برای منادا :

«منادا اسمی است حقیقی یا مجازی که مورد خطاب قرار میگیرد. این اسم همیشه مذکور نیست و گاهی محذوف است. علت حذف منادا، بیان وجه وصفی یا عبارت تاویل پذیر به وجه وصفی است که به منادای محذوف اطلاق میشود و در جایگاه او قرار میگیرد. با حذف منادا، وجه وصفی جانشین، برجسته میشود و لحن و اغراض ثانویه گوینده از بیان جمله ندایی آشکارتر میشود»

ندا و منادا در مثنوی اسرار الشهود

کلیه مناداهای این مثنوی به استثنای منادای خداوند و مناداهای جان و دل، همگی از نوع محسوس و قابل ادراک از طریق حواس پنج‌گانه هستند. خداوند به طریق حواس ظاهری انسان قابل ادراک نیست، لذا منادای خداوند را

منادای معنوی نام نهاده اند. «چون دارای مرتبه غیب الغیوب و مطلق از اطلاق و تقيید است؛ به هیچ نوع ادراکی درک نمی‌شود و به هر جهت منادای غیر حسی و معنوی میباشد» (رضانژاد، ۱۳۶۷: ۳۶۲). در تحقیق و بررسی های به عمل آمده ندا و مناداهای ساخته‌های ندایی در مثنوی «اسرار الشهود» اسیری لاهیجی به شرح زیر میباشند:

منادای خداوند و مترادفات آن: ای خداوند کریم کارساز (لاهیجی، ۱۳۶۸: ۵۵)، کای خداوند سبب ساز کریم (همان، ۱۰۶)، ای خدا (همان، ۶۵ و ۱۱۴)، ای خدای صاحب جود و کرم (همان، ۱۲)، یا رب (همان، ۱۴ و ۲۷ و ۱۲۳ و ۱۲۸)، ای رب الوری (همان، ۶۵)، بارالها (همان، ۱۲۲)، ای کردگار (همان، ۳۴ و ۶۵)، الهی (همان، ۱۵)، یا الهی (همان، ۴ و ۱۰۶).

و ساخته‌های ندایی دیگر به ترتیب زیر :

ای مرد دین (همان، ۲۸ و ۴۰ و ۴۵ و ۴۷ و ۱۲۳)، ای خواجه تاش (همان، ۱۹)، ای مادر (همان، ۲۴)، ای راه بین (همان، ۲۸)، ای راهرو (همان، ۱۱ و ۱۰۷ و ۱۱۹)، ای مرد کار (همان، ۱۵ و ۱۹ و ۲۳ و ۲۴ و ۳۴ و ۹۹)، ای مرد راه (همان، ۲۹ و ۶۴)، ای جوان (همان، ۴۰)، ای بی خبر (همان، ۹ و ۲۹ و ۳۱ و ۴۲)، ای پسر (همان، ۲۳ و ۳۲ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۰ و ۴۲ و ۷۳ و ۹۷ و ۹۹ و ۹۹ و ۱۱۳)، ای مرید (همان، ۹)، ای رازجو (همان، ۳۹)، سالکا (همان، ۳۴ و ۸۷ و ۹۶)، ای سالکان (همان، ۱۰۳)، طالبا (همان، ۲۰ و ۲۸ و ۸۸)، ای مرد سست (همان، ۴۷)، ای مرد خام (همان، ۳۶)، کای پره‌نر (همان، ۲۷)، ای پره‌نر (همان، ۳۰)، ای امام (همان، ۲۳ و ۲۵ و ۲۷)، کای امام (همان، ۳۲)، ای مونسیم (همان، ۳۴)، ای عزیز (همان، ۴۰)، ای نازنین (همان، ۴۴)، ای خوبرو (همان، ۵۹)، ای شیخ عزیز (همان، ۶۳)، ای شیخ جهان (همان، ۲۳)، ای شیخ دین (همان، ۱۱۷ و ۱۲۴)، ای شیخ انام (همان، ۵۹)، ای شیخ زمان (همان، ۲۵)، شیخا (همان، ۲۶ و ۲۷ و ۳۳ و ۴۵ و ۶۴ و ۱۲۲)، ای شیخ غیور (همان، ۱۲۲)، ای حسن (همان، ۶۵)، ای ذو فنون (همان، ۵۸)، ای ذوالنون (همان، ۱۱۷)، ای گبر (همان، ۱۱۷)، ای سلطان دین (همان، ۱۰۴)، ای پیر راه (همان، ۱۰۴)، ای بحر صفا (همان، ۶۴)، ای خوش پیام (همان، ۶۴)، ای پادشا (همان، ۷۳)، شاها (همان، ۷۴)، ای شه (همان، ۷۳)، ای امیر (همان، ۷۳)، ای امیرالمومنین (همان، ۶۰)، ای دانای کل (همان، ۴۳)، ای دانای دین (همان، ۳۳)، کار سازا (همان، ۴)، ساقیا (همان، ۴)، کای ناخوش منش (همان، ۷۶)، ای بی وفا (همان، ۷۶ و ۷۶)، ای نیکو نهاد (همان، ۷۶)، ای دادگر (همان، ۱۰۶)، ای بیدادگر (همان، ۷۶)، ای ساده دلان (همان، ۹۱)، ای رفیق (همان، ۱۱ و ۱۴ و ۹۹ و ۱۲۲)، ای خود پرست (همان، ۹۱)، ای فقیر (همان، ۱۴ و ۱۰۱ و ۱۰۵)، ای نیکخو (همان، ۴۰)، ای نیکنام (همان، ۲۳ و ۲۳ و ۴۳)، کای ذوالمنن (همان، ۷۸)، ای پیشوا (همان، ۲۵ و ۶۰)، ای سلیم (همان، ۲۰ و ۳۳)، ای مرد سلیم (همان، ۱۰۹ و ۱۱۱)، ای کیا (همان، ۲۸)، ای دل (همان، ۲۹ و ۳۴ و ۴۸ و ۵۸)، دلا (همان، ۹ و ۲۸ و ۴۷ و ۹۶ و ۱۰۷ و ۱۲۰)، ای عاقلان (همان، ۵۸)، ای جان (همان، ۱۰۸)، ای جان من (همان، ۳۸ و ۴۲)، ای مرد عنود (همان، ۶۱)، ای شاه دین (همان، ۱۰۶)، ای متقی (همان، ۴۰)، ای فتی (همان، ۵۷ و ۱۰۰)، ای درویش (همان، ۱۰۴)، ای استاد (همان، ۲۶)، ای ممتحن (همان، ۷۸ و ۱۲۰)، ای فقیه (همان، ۸۱)، ای سائل (همان، ۸۳)، ای بی نظیر (همان، ۸۴)، ای بیدلان (همان، ۸۶)، ای بی صفا (همان، ۹۳)، ای گروه (همان، ۱۱۲).

حرف ندا و صفات مرکب جانشین منادا در مثنوی اسرار الشهود عبارتند از:

ای منزه ذاتت از فهم عقول (همان، ۳۲)، ای مونس جان و روان (همان، ۱۰۳)، ای داننده راز نهان (همان، ۱۲۲)، ای تو واقف بر ضمیر نیک و بد (همان، ۱۲۲)، ای لطف خدا را گشته صید (همان، ۶۰)، ای درگهت خیر المآب (همان، ۳۴)، ای کان وفا (همان، ۲۶)، ای کریم منعم و پروردگار (همان، ۷۸)، ای کریم کارساز

دادگر(همان، ۱۲۲)، ای داننده فاش و نهان (همان، ۱۱۷)، ای رهبر راه خدا (همان، ۸۷)، ای پادشاه ملک و دین (همان، ۷۵)، ای شهزاده نیکوخصال (همان، ۱۰۴)، ای جان و دلم را برگ و ساز (همان، ۷۲)، ای استاد استادان دین (همان، ۲۲)، ای امین سر رب (همان، ۱۲۲)، ای از درد عشقش چاره جو (همان، ۸۵)، ای خاص اله (همان، ۱۱۸).

در این مثنوی، مناداهای شیخ و استاد، رهبر و رهنما و مناداهای سالکا، طالب، ای پسر، ای جوان، ای مرد کار و ای مرد دین، گویای بستر تعلیمی مثنوی «اسرار الشهود» و ارتباط مکرر میان گوینده در مقام استاد با مخاطب در مقام شاگرد برای بیان تعلیم عرفانی و اخلاقی است که تکرار آن‌ها موجب برجسته شدن ویژگی تعلیمی اسرار الشهود شده است. پر بسامدترین منادها در این مثنوی، طبق نمودار (الف)، منادای «خداوند» و مترادفات آن، منادای شیخ و مقیدات آن، منادای «پسر» در مقام شاگرد و شنونده آموزه‌های عرفانی و اخلاقی، منادای دل و دلا، منادای «مرد کار» و منادای «مرد دین» است. منادای خداوند، بیست و شش بار در مقام منادای مذکور و محذوف قرار گرفته است، لذا در جملات ندایی مثنوی «اسرار الشهود»، بالاترین بسامد را داراست، دومین منادای پرتکرار این مثنوی، منادای شیخ و شیوه‌های مختلف بیان آن با سیزده بار تکرار است، منادای «پسر» با یازده بار تکرار، منادای دل و دلا با ده بار تکرار، منادای مرد کار با شش بار تکرار و مناداهای مرد دین و رفیق با پنج بار تکرار در مرتبه‌های پایین‌تر قرار گرفته‌اند.

(۱)	خداوند (۲۶)	(۶)	مرد دین (۵)
(۲)	شیخ (۱۳)	(۷)	رفیق (۵)
(۳)	پسر (۱۱)	(۸)	بی‌خبر (۴)
(۴)	دل و دلا (۱۰)	(۹)	طالب (۳)
(۵)	مرد کار (۶)	(۱۰)	سالکا (۳)

نمودار (الف) - مناداهای پرتکرار در مثنوی اسرار الشهود

اقسام منادا به اعتبار مذکور و محذوف بودن

منادای مذکور

در جملات ندایی گاهی منادا بیان نمیشود. لذا جملات ندایی به اعتبار مذکور یا محذوف بودن منادا تقسیم میشوند. منادای مذکور، منادایی است که به روشنی قابل تشخیص باشد. در دستور زبان فارسی، منادای مذکور شامل اسم صریح و اسم کنایه است.

منادای اسم صریح

اوست عین جمله اشیا ای پسر با تو گفتم راز پنهان سر بسر
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۹۷)

چون به کار عشق کس را اختیار نیست شاه این سیاست را گذار
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۷۴)

وصف ایشان برتر است از گفت ما عاجزم یا رب لاحصی ثنا
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۲۳)

در چنین مواردی اسم منادا اسم خاص افراد یا اسم عام است و در شناخت منادا اشکالی وجود ندارد؛ مانند ابیات زیر:

حدس و امعان نظر الماس دان گشت مینا دقت فهم ای جوان
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۴۰)
گفت شیخش کای امیرالمؤمنین رحم تو بر مؤمنان آمد چنین
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۶۰)

اسم کنایه

اسم کنایه به سه قسم ضمیر، مبهمات و اسم استفهام که متضمن پرسش است تقسیم میشود (ر.ک. خیامپور، ۱۳۸۴: ۳۰). در بیت زیر، ضمیر در جایگاه اسم کنایه قرار دارد.

ای تو واقف بر ضمیر نیک و بد پیش علمت روشنست اسرار بد
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۲۲)

دو نوع دیگر یعنی اسمهای استفهام و مبهمات در مثنوی اسرار الشهود مشاهده نشدند.

منادای محذوف

از منظر دستور نویسان یکی دیگر از وجوه منادا، حذف منادا است. اسلوب منادای محذوف به گونه‌ای است که پس از حرف ندای «ای»، یا ضمیرهای متکلم (من و ما) و یا وجه وصفی میگیرد. «منظور از حذف منادا در اینجا حذف هسته منادا است، زیرا اگر منادا به کلی حذف گردد، دیگر ندا و نقش منادایی وجود نخواهد داشت این وجه یکی از اقسام بسیار مهم و پر کاربرد شعر فارسی است» (آقاحسینی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴). به نظر میرسد دلایل عمده شاعر از حذف منادا، اهمیت بخشیدن و برجسته ساختن وصف منادا یا نقل قولی از جانب او یا سخنی است که پس از حرف ندا واقع میشود. در چنین ابیاتی، هسته منادا حذف میشود و وجه وصفی که در نظر شاعر است؛ در جایگاه منادای محذوف قرار میگیرد.

ای + که + وجه وصفی تاویل پذیر

در این ترکیب، کلمه منادا غایب است؛ اما وجه وصفی در جایگاه منادا به او نسبت داده میشود. «در چنین مواردی باید منادا را محذوف و وجه وصفی را صفت منادای محذوف دانست» (آقاحسینی و دیگران، ۱۳۹۳: ۶).

ای که میجویی ز حق گنج بقا دست زن در دامن اهل خدا
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۹۲)

در بیت فوق، ترکیب وصفی «جوینده گنج بقا از حق» صفت جاننشین منادا است، شاعر مفهوم تمسک به اهل خدا را برای کسی که از حق، گنج بقا را جوینده است؛ برجسته ساخته است. در چنین ابیاتی، جمله پس از که قابلیت تاویل دارد. لذا در این حالت، جمله را باید به این صورت تاویل کرد: «ای کسی از حق، گنج بقا جوینده».

ای + وجه وصفی تاویل پذیر

در برخی جملات که «ای» ویژگی نقش نمای ندایی دارد، عبارتی که پس از آن ذکر میشود، حالت وصفی دارد که جاننشین هسته منادای محذوف است.

شماه‌ای از حال من در ضمن آن گوش کن ای مونس جان و روان
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۰۲)

صفت مرکب «مونس جان و روان باشنده» به منادا محذوف نسبت داده میشود.

در تضرع آمد آن شیخ جهان گفت ای داننده راز نهان
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۲۲)

در زمان برخاست شد پیش جنید گفت کای لطف خدا را گشته صید
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۶۰)

گفت دیدم یک شبی حق را به خواب گفتمش ای درگهت خیر المآب
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۳۴)

در مصرع دوم «ای درگهت خیر المآب» وجه وصفی است.

ای + اضافه تشبیهی

گاهی اضافه تشبیهی، جانشین هسته منادای محذوف است. در ابیات زیر اضافه های تشبیهی «کان وفا» و «بحر صفا»، در حالت ندایی قرار دارد.

میبرم جان زین جهان پر جفا همرم همت کن ای کان وفا
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۲۶)

چون بمیرم گفت فرما تا مرا پاکشویی شوید ای بحر صفا
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۶۴)

به نظر میرسد استفاده از دو اضافه تشبیهی «کان وفا» و «بحر صفا» در جایگاه منادا، از ابتکارات لاهیجی در این مثنوی باشد. در آثار شاعران پیش از او، فریدالدین عطار در «وصلت نامه»، از هر دو اضافه تشبیهی یاد شده بهره برده است، امیرخسرو دهلوی نیز در قرن هفتم هجری در «دیوان اشعار» خود از اضافه تشبیهی «کان وفا» استفاده کرده است، همچنین مولانا جلال الدین بلخی در «دیوان شمس» ترکیبات اضافی مذکور را به کار برده است، با این تفاوت که همگی آنها از اضافه های تشبیهی یاد شده در نقش های دستوری دیگری بهره برده اند و این ترکیبات را در جایگاه منادا قرار نداده اند.

اقسام منادا به اعتبار مفرد و مقید بودن

منادای مفرد

منادا ممکن است مفرد(ساده) یا مقید باشد، کلمه منادا زمانی مفرد است که بعد از حرف ندا یک اسم واقع شود و مورد خطاب قرار گیرد. منظور از *منادای مفرد* این است که تنها یک کلمه پس از حرف ندا قرار گیرد و ترکیب وصفی و اضافی پس از حرف ندا قرار نگیرد. چنان که در ابیات زیر منادای مفرد رعایت شده است.

در ارادت باش صادق ای میرید شد ارادت قفل این در را کلید
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۹)

جامه و دستار بر کن ای سلیم بر میان بند یک ازاری از گلیم
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۳۳)

آنکه هرگز ره ندانند ای رفیق رهنمایی چون کند اندر طریق
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۴)

چون مصاحب گشت مس با کیمیا شد زر خالص ز صحبت ای کیا
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۲۸)

منادای مقید

در منادای مقید، منادا/بیش از یک کلمه و به صورت ترکیب وصفی یا اضافی قرار می‌گیرد.

ای خدای صاحبِ جود و کرم آورش بیرون ازین چاه ظلم
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۲)

ای خداوندِ کریمِ کارساز این دل بیچاره را ده برگ و ساز
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۵۵)

پس بگفت ای پادشاهِ ملک و دین من به خدمت عرض کردم پیش از این
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۹۲)

کای خداوندِ سبب ساز کریم صاحب الطاف و احسان عمیم
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۰۶)

کامدم پیش تو ای شیخ انام از سر صدق و ز اخلاص تمام
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۵۹)

تاخیر منادا در جملات ندایی

موکد ساختن جملات پیش از حرف ندا

بسیاری از جملات ندایی در اسرار الشهود خارج از اسلوب طبیعی خود، بدون تقدم منادا بیان شده اند. به نظر میرسد تاخیر منادا، علل گوناگونی داشته باشد، اما موکد ساختن جمله پیش از حرف ندا، اصلیت‌ترین علت تاخیر مناداست. لاهیجی پیش از خطاب قرار دادن منادا، او را از اهمیت موضوعی آگاه می‌سازد.

تا نگرودی بیخبر از خود تمام کی خبر یابی ز حق ای نیکنام
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۴۴)

تکمیل جمله پیش از ندا

در زمان دیدم که آمد سوی من پیر نورانی و گفت ای ممتحن
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۷۸)

شیخ گفتش این وصیته‌ها تمام کرده ام از تو قبول ای خوش پیام
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۶۴)

ابهام و ایضاح

خود علامات محبت ای رفیق شد مراعات ادب اندر طریق
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۱)

در این بیت، اهمیت و برجسته‌سازی چیستی «علامات محبت» در ذهن فرد مخاطب که در مقام دوست و رفیق قرار دارد، علت تاخیر منادا است. ابهام چیستی «علامات محبت» در مصرع اول، با توضیح «مراعات ادب اندر طریق» در مصرع دوم، برای منادا رفع می‌شود.

اغراض ثانویه در منادای مذکور

هدف اصلی در ادبیات عرفانی، بیان مفاهیم عرفان اسلامی است. اما اغراض ثانویه زمانی شکل می‌گیرند که منادا مذکور و صریح باشد. در منادای مذکور، اغراض ثانویه در بار معنایی واژه منادا احساس و استنباط میشوند.

تنبه و تحذیر

منادای صریح، میتواند اسم خاص یا عام باشد، در ابیات زیر، منادا اسم عام راهرو است، رونده راه نخست باید بداند که شرط گام نهادن در راه، آگاهی یافتن از آن، توسط فردی رهنماست. منادا با اسم عام راهرو، تنبه و تحذیر رونده راه را تقویت میکند.

رهنما شرط ره است ای راهرو
هان و هان از راه بین غافل مشو
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۱)

الحذر زین رهزنان ای راهرو
گر درین ره میروی ایمن مشو
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۰۷)

استهزا

گاهی معنای واژه منادا در تناقض آشکار با مفهومی است که در بیت بیان شده است و استهزای مخاطب مدعی را تقویت میکند، این شیوه به جهت تاکید و برجسته سازی مفهوم بیت نیز به کار رفته است.

توسن عرفان بود تند و حرون
هان عنانش را بکش ای ذو فنون
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۵۸)

شاعر به جهت استهزای مدعی وادی عرفان، منادا را صاحب فن‌ها مورد خطاب قرار داده است.

اینچنین باید طلب ای مرد کار
تو نه ای طالب برو شرمی بدار
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۹)

ناقص از کامل شناس ای مرد راه
تا نیفتی سرنگون در قعر چاه
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۲۹)

در دو بیت اخیر نیز شاعر از ایراد مناداهای مقید «مرد کار» و «مرد راه»، به استهزا سعی در بیان عدم معرفت و آگاهی مدعیان عرفان را داشته است.

بیان ضعف و ناتوانی مخاطب

گاهی شاعر برای بیان اهمیت مضمون عرفانی و سرزنش مخاطب از عدم ادراک آن، صفاتی که نشان دهنده عجز و ناتوانی است در جایگاه منادا می آورد.

ساختی دجال را مهدی پیر
خر ز عیسی و نادانی ای فقیر
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۴)

چنان که آشکار است عدم معرفت به حقیقت، موجب سرزنش منادا توسط شاعر و اطلاق صفت فقیر به او شده است. منادای فقیر، حجم عظیمی از ضعف و ناتوانی منادا را به اذهان متبادر میکند.

بدترین دشمنت چون نفس تست
دوستی با وی مکن ای مرد سست
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۴۷)

در بیت اخیر، ضعف منادا در صفت سست، آشکارتر است. غرض اصلی، بیان این نکته است که نفس، دشمن است و غرض ثانویه، بیان این معنی است که دوستی با دشمن، ضعف و ناتوانی از رویارویی با اوست، لذا فردی که با دشمن، دوستی آغازد، عاجز و ناتوان در برابر دشمن است. به نظر میرسد «مرد سست» از جمله مناداهایی است که لاهیجی به ابتکار خود در این مثنوی از آن استفاده کرده است.

تناسب لفظی منادا با اجزای بیت

آرایهٔ تناسب، تضاد، مقابله و مراعات النظیر را شامل میشود. تناسب لفظی منادا با دیگر اجزای جملات ندایی از ویژگیهای قابل تاملی است که در اسرار الشهود مشاهده میشود. در بیت زیر لاهیجی برای تعریف واژهٔ منادای «امام»، از واژگان مقتدا و رهنما استفاده کرده است که منجر به اثر بخشی و هماهنگی با سایر اجزای بیت شده است.

گفت احمد شیخ دین را ای امام مقتدا و رهنمای خاص و عام
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۲۷)

تناسب لفظی ضمن تاثیرگذاری بیشتر بر مخاطب برای درک معنی، انسجام اجزای بیت در ساختار لفظی را به وجود می آورد. در بیت زیر کاربرد تضاد میان دیوانه و عاقل در ویژگی تناسب، انسجام بیت را بیشتر کرده است. باز دیوانه شدم ای عاقلان در خور مجنون بود بند گران
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۵۸)

در ابیات زیر نیز صنعت تضاد و مراعات نظیر موجب تقویت انسجام میان اجزای بیت شده است.

ساقیا مستم کن از جام شراب تا به کی باشم ز هشیاری خراب
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۴)

ساز جاروبی ز عشق ای مرد کار خانۀ دل را بروب از هر غبار
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۳۴)

جملات ندایی از نظر محتوا

اسرار الشهود دارای محتوای تعالیم عرفانی و اخلاقی است، لذا مفاهیمی که خطاب به منادا گفته شده است عموماً جنبهٔ ویژگی آموزه‌های عرفانی و اخلاقی دارد. مفاهیمی که در قالب جملات ندایی برای مخاطب بیان شده است عبارتند از: ویژگیهای ذات خداوند، رحمت و حکمت خداوند، هشیاری سالک در طریق الی الله و طلب معرفت از رهنما، ایمان سالک به رهنما، عاری ساختن خانۀ دل از اغیار، طلب عشق، طلب بی نیازی، طلب مستی، سرزنش و تحقیر بی خبران و غافلان از معرفت الهی، ترویج اخلاق نیکو، ترک دنیا و فنا و بقا در سیر الی الله.

آموزه های عرفانی

طلب عشق و محبت. عرفا میگویند وجود افلاک و حرکات آنها به واسطهٔ عشق و محبت است. در عرفان اسلامی، «عشق مهمترین رکن طریقت است و این مقام را تنها انسان کامل که مراتب ترقی و تکامل را پیموده است درک میکند» (سجادی، ۱۳۷۰: ۵۸۱). لاهیجی در جملهٔ ندایی زیر این عشق را طلب میکند.

ای کریم منعم و پروردگار زین محبت شمه‌ای بر ما گمار
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۷۸)

در پستی دنیا و ترک آن. عارفان جز بر ترک دنیا از خداوند چیزی طلب نکنند و طلب ترک از آن جهت کنند که دنیا را چیزی ندانند و خود را مشغول به امری نکنند (ر.ک. سجادی، ۱۳۷۰: ۲۲۰).

ور تو راه خاص جویی ای پسر ترک دنیای دنی گو سربسر
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۲۳)

طلب بی نیازی از خلق. اسیری لاهیجی از منادای کارسازنده، بی نیاز از خلق و به طور کل، بی نیازی از عالم ماده را طلب میکند.

از همه خلق جهان کن بی نیاز کار سازا کار این بیچاره ساز
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۴)

لازم به ذکر است که از شاعران پیش از اسیری لاهیجی، تنها عبید زاکانی در بخش مناجات «عشاق نامه» از صفت فاعلی مرکب مرخم «کارساز» در ساخت ندایی «کار سازا» استفاده کرده است.

طلب ارشاد. توصیه به ارشاد سالک توسط راهنما در اسرار الشهود به کرات تکرار میشود. لاهیجی از رهبری که به معرفت راه خداوند نائل آمده است، ارشاد و راهنمایی را طلب میکند.

گفتمش ای رهبر راه خدا بهر ارشاد آمدم راهی نما
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۸۷)

عبارت تاویل‌پذیر «ای کس رهبر راه خدا باشنده» از جمله مناداهایی است که اسیری به ابتکار خود در این منظومه بکار برده است و بنظر میرسد در آثار هیچ از شاعران پیش و پس از او وجود ندارد.

طلب محو. طلب محو از آموزه های عرفانی است. محو و نیستی از منظر عارفان، فنای سالک از اوصاف دنیوی خویش است. لاهیجی دستیابی به علم الیقین را منوط بر محو میدانند و این مفهوم را برای منادای متاخر بازگو میکند.

کی شود این سر ترا علم الیقین تا نگردی محو حق ای نازنین
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۴۴)

آموزه های اخلاقی

از آموزه های اخلاقی اسرار الشهود تشویق و ترویج به برخورداری بودن از اوصاف و فضایل اخلاقی است. از منظر عرفا، انسان کامل به اوصاف حمیده و اخلاق پسندیده آراسته است.

چون شود اوصاف و اخلاقت نکو هشت جنت خود تویی ای نیکخو
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۴۰)

پسر، یکی از مناداهای پرسامد این مثنوی است. در توصیه های اخلاقی، «پسر» را به عنوان منادا مورد خطاب قرار گرفت است و به او توصیه میشود که با بخشندگان هم نشین باشد و از صحبت با لئیمان برحذر باشد.

باش مهمان کریمان ای پسر با لئیمان کم نشین جان پدر
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۳۲)

مخاطب جملات ندایی

در بررسی مخاطبان لاهیجی مشخص شد که یکی از ویژگی های جملات ندایی در اسرار الشهود این است که شاعر خود را در مقام منادا قرار نداده است و از آوردن نام خود در جملات ندایی خودداری کرده است. یکی دیگر از

ویژگیها این است که شاعر، غیرجاندار را در جایگاه منادا بکار نبرده است و عموم مناداهای این مثنوی، جاندار هستند.

خداوند

لاهیجی منادای «خدا» را دو مرتبه، «خدای» را یک مرتبه، منادای «خداوند» را دو مرتبه، منادای «الهی» را یک مرتبه، منادای «یا الهی» را دو مرتبه، منادای «رب» را چهار مرتبه، منادای «رب الوری» را یک مرتبه، منادای «کردگار» را دو مرتبه و منادای «بارالها» را یک مرتبه مورد خطاب قرار داده است. منادای مذکور خداوند و مترادفات آن در مجموعه ۱۶ مرتبه را از جملات ندایی این مثنوی را تشکیل میدهند. همچنین در مناداهای مناداهای کار سازا (همان، ۴) و ساقیا (همان، ۴)، ذوالمنن (همان، ۷۸)، ای تو واقف بر ضمیر نیک و بد (همان، ۱۲۲) و همچنین در عبارات تاویل پذیر وصفی «ای منزّه ذات از فهم عقول» (همان، ۳۲)، ای داننده راز نهان (همان، ۱۲۲)، ای درگهت خیر المآب (همان، ۳۴)، ای کریم منعم و پروردگار (همان، ۷۸)، ای کریم کارساز دادگر (همان، ۱۲۲)، ای داننده فاش و نهان (همان، ۱۱۷) هسته محذوف منادا، خداوند است. لذا ابیاتی که لاهیجی در منادای ساده یا مقید، مذکور یا محذوف، خداوند را مورد خطاب قرار داده است، ۲۶ بیت از ۳۱۶۰ بیت این مثنوی را به خود اختصاص داده اند و در نسبت با ۱۷۶ جمله ندایی این مثنوی، ۱۵ درصد از این جملات را شامل میشوند.

در مناجات آمد و گفت ای خدا نیست نومیدی مرا از بی رهی
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۶۵)

یا الهی انت منان الکریم صاحب الاکرام و المن العظیم
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۴)

گفتم آن چیزی که نبود مر ترا خود چه باشد گو الهی مر مرا
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۵)

در ادبیات فارسی واژه منادای «الهی» را در مقام ندا میگویند و حرف ندا را اغلب حذف میکنند (ر.ک. دهخدا، ذیل واژه). چنان که در بیت فوق، حرف ندا محذوف است.

از کمال رحمت ای کردگار مؤمن و کافر همه امیدوار
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۶۵)

چون نباشد رفع این بر دست کس بس کنم یا رب توام فریاد رس
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۲۸)

طالب و سالک

طالب و سالک نیز از جمله اسمهایی هستند که در حالت منادا به کار برده شده اند.

طالب اکسیر اعظم صحبت است در حقیقت کیمیا این دولت است
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۲۸)

شرط این ره سالکا دانی که چیست آنکه در هستی حق گردی تو نیست
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۸۷)

در ره حق سالکا بیخود درآی همچو آن زاهد مرو راه خدای
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۳۴)

شخصیتهای مثبت

در مثنوی اسرارالشهدود، مضامین عرفانی در قالب حکایاتی نقل میشود، در این حکایات، عموم شخصیتهای مثبت، بزرگان متصوفه هستند که با مناداهای امام، شیخ، پیشوا، مرد دین، رهبر راه خدا مورد خطاب قرار میگیرند. منادای «امام» یکی از منادای مثبت این مثنوی است. لاهیجی در حکایت «شیخ سری»، با منادای «امام» شیخ سری را مورد خطاب قرار داده است.

پیش شیخ آمد بگفتا ای امام رهبر خلق جهان از خاص و عام
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۲۳)

وی همچنین در حکایت «زاهدی که به وقت بایزید در بسطام وحید التقوی بود»، بایزید بسطامی را هم «امام» خطاب کرده است

گفت زاهد شیخ دین را کای امام مدت سی سال اکنون شد تمام
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۳۲)

منادای «شیخ» نیز در مثنوی «اسرارالشهدود»، به بزرگان متصوفه اطلاق میشود. در حکایت «جنید بغدادی»، ترکیبهای اضافی «شیخ انام» و «شیخ زمان» (ر.ک. همان، ۵۹) در جایگاه منادا قرار دارد. وی همچنین در حکایت «حسن بصری» او را با منادای «شیخ عزیز» مورد خطاب قرار داده است.

گفت شمعونش که ای شیخ عزیز باز میدارد ز اسلام سه چیز
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۶۳)

لاهیجی در حکایت «ذوالنون مصری» نیز او را با «شیخ دین» مورد خطاب فرد آتش پرست قرار داده است.

گفت دیدی عاقبت ای شیخ دین کانچه میکشتم برآمد این چنین
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۱۷)

وی همچنین در حکایت حسن بصری، با منادای «بحر صفا» (ر.ک. همان، ۶۴)، حسن بصری را مورد خطاب قرار داده و در حکایات شیخ سری و جنید بغدادی، صفت مرکب «پیشوا» را جانشین منادای «شیخ سری» و «جنید بغدادی» قرار داده است (ر.ک. همان، ۲۵ و ۶۰).

نامها در مثنوی «اسرارالشهدود» به ندرت آورده شده است. یکی از نامهایی که در مقام منادای صریح قرار گرفته «ذوالنون مصری» است.

پس تو ای ذوالنون برو فارغ نشین فعل او معلول با علت مبین
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۱۷)

همچنین لاهیجی در حکایت حسن بصری، نام حسن را منادا قرار داده است.

آنچه فضلش کرد اندر حق من کی به شرح و وصف آید ای حسن
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۶۵)

شخصیتهای منفی

بطور کلی اشخاص منفی در مثنوی اسرارالشهدود، افرادی سست (۱)، بیدادگر (۱)، خودپرست (۱)، عنود (۱)، بی خبر (۴)، خام (۱) و بوالفضول (۱) هستند که از ویژگیهای سیر و سلوک آگاه نیستند. اطلاق صفات مذکور به مخاطب ناآگاه اسرارالشهدود، شش درصد از جملات ندایی این مثنوی را تشکیل داده است.

در طریقت گر نداری راهبر کی خبر یابی ز حق ای بیخبر
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۲۹)

تا نگردي نیست از هستی تمام کی به وصل او رسی ای مرد خام
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۳۶)

در بیت زیر لاهیجی، مرد ستیزه کار و مخالف فعلیت کاملان را جاهل قلمداد کرده است.

گر به پیشت فعل ایشان بد نمود آن ز جهل تست ای مرد عنود
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۶۱)

هر چه گوید پیر دانا کن قبول حجت و برهان مجو ای بوالفضول
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۶۱)

منادای همدلانه

در میان جملات ندایی، اسیری لاهیجی برای جلب توجه مخاطب، از مناداهای جان و دل بهره برده است، سخنی که او با جان و دل میگوید، در واقع پیامی با مضمون اخلاقی و عرفانی برای جلب و تفاهم نظر مخاطب این مثنوی است. بسامد منادای «جان» در اسرار الشهود یک مرتبه (همان، ۱۰۸)، منادای مقید «ای جان من»، دو مرتبه (همان، ۳۸ و ۴۲)، منادای «دل»، چهار مرتبه (همان، ۲۹ و ۳۴ و ۴۸ و ۵۸) و منادای «دلا»، شش مرتبه (همان، ۹ و ۲۸ و ۴۷ و ۹۶ و ۱۰۷ و ۱۲۰) است که در مجموع جملات ندایی، منادای همدلانه ۱۲ درصد را به خود اختصاص داده است. این ابیات نوعی طلب همدلی از سوی مخاطب را با خود به همراه دارند.

زینهار ای جان من صد زینهار نیک کن پیوسته دست از بد بدار
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۴۲)

سر حق را جز به اهل حق مگو غیر راه کاملان ای دل مپو
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۵۸)

گر رضای حق همی خواهی دلا پیشه خود کن خلاف نفس را
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۴۷)

نگسل ای دل از حضور اهل دل ور نه گردی پیش حق خوار و خجل
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۲۹)

معانی دیگر «ای»

حرف «ای» که نقش نمای مناداست، گاه این نقش را از دست میدهد و معانی دیگری به خود میگیرد. این حرف در برخی شواهد افادهٔ تعجب، افسوس یا بیان آرزو میکند.

آنچه تو جویدی آنی روز و شب وز تویی شد او نهان ای بوالعجب
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۸۲)

نیست خلقان را از این معنی خبر ای دریغا دیدهٔ صاحب نظر
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۱۱)

او همی گفتی که بی رنج و به رنج ای خوشا حال کسی کو یافت گنج
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۹۱)

ای خوشا آن معصیت کو عاقبت آورد ما را به عجز و مسکنت
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۶۵)

بسامد تقلید جملات ندایی و نوآوری در اسرار الشهود

یکی از ویژگیهای تحقیق در سبک‌شناسی، آگاهی یافتن از اثر‌پذیری شاعران و همچنین ویژگیهای خلاقانه احتمالی آنها در آثاری است که تحت بررسی قرار می‌گیرد. مثنوی «اسرار الشهود» اسیری لاهیجی متأثر از مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین بلخی است، چنانکه آل داود نیز به این نکته اشاره کرده است (ر.ک. لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱). چنان که برخی از منادها در اسرار الشهود، تنها در آثار مولوی یافت میشوند.

جملات ندایی مشترک مثنوی اسرار الشهود لاهیجی و آثار مولوی:

ندا و منادای «ای کیا»

جهد میکن تا توانی ای کیا	در طریق انبیا و اولیا (دفتر اول مثنوی، ص ۳۳۷، بیت ۹۷۵)
مرتبه انسان به دست اولیا	سُغبه چون حیوان شناسش، ای کیا (دفتر اول مثنوی، ص ۷۴۷، بیت ۲۴۹۵)
چون مصاحب گشت مس با کیمیا	شد زر خالص ز صحبت ای کیا (لاهیجی، ۱۳۶۸: ۲۸)

ندا و منادای «ای ذو فنون»

پس بدو گفت آن یکی: ای ذو فنون	این دوا خواهند از بهر جنون (دفتر دوم مثنوی، ص ۵۲۶، بیت ۲۰۹۶)
توسن عرفان بود تند و حرون	هان عنانش را بکش ای ذو فنون (لاهیجی، ۱۳۶۸: ۵۸)

ندا و منادای «کای ذوالمنن»

عهد کردم با خدا کای ذوالمنن	برگشا زین بستگی تو پای من (دفتر پنجم، کثنوی ص ۷۲۴، بیت ۲۶۲۹)
در مناجات آدمم کای ذوالمنن	واقف این سر پنهان بی سخن (لاهیجی، ۱۳۶۸: ۷۸)

ندا و منادای «ای خوبرو»

آن می بیار ای خوبرو کاشکوفه اش حکمت بود	کز بحر جان دارد مدد تا درج در شد زو شکم (مولوی، ۱۳۷۲، ۵۳۵)
در فلان جا گفت ای خوبرو	رو به رو شو با جنید آخر بگو (لاهیجی، ۱۳۶۸: ۵۹)

جملات ندایی مشترک مثنوی اسرار الشهود لاهیجی و آثار عطار

در سرودن مثنوی «اسرار الشهود»، اسیری لاهیجی متأثر از آثار فریدالدین عطار نیز هست، این تاثیر‌پذیری در جملات ندایی اسرار الشهود مشهود است. بسیاری از مناداهای اسرار الشهود در آثار عطار نیز یافت میشوند، ویژگی

بارزتر تاثیر پذیری لاهیجی در این است که برخی از مناداهای اسرار الشهود را تنها میتوان در آثار عطار یافت. این منادها در هیچ یک از آثار شاعران فارسی زبان دیگر یافت نمیشوند.

ندا و منادای «سالکا»

سالکا از من چه میجویی؟ برو من ندانم تا چه میگویی برو
(مصیبت نامه، ۲۲۷، بیت ۲۳۹۲)

تا نگردي سالکا در ره فنا کی شوی از وصل جانان با نوا
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۹۶)

ندا و منادای «ای شیخ جهان»

فنا خواهی شد ای شیخ جهان تو نمودم این زمانت جان جان تو
(هیلاج نامه، ۱۰۶، بیت ۲۲۲۷)

زنده و مرده نمیابم نشان چیست تدبیر من ای شیخ جهان
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۲۳)

ندا و منادای «ای شیخ زمان»

رابعه گفتش که ای شیخ زمان چند پاره رشته بودم ریسمان
(منطق الطیر، ص ۱۲۹)

گفت ای شیخ زمان احمد مرا گفت رو با شیخ گو ای پیشوا
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۲۵)

ندا و منادای «ای ذوالنون»

دید او را عاشق آسا در طواف گفت ای ذوالنون چرا گفתי گزاف
(مصیبت نامه، ۲۱۵، بیت ۲۱۳۴)

پس تو ای ذوالنون برو فارغ نشین فعل او معلول با علت مبین
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۱۷)

ندا و منادای «ای پیر راه»

پس سلامش کرد و گفت ای پیر راه حاجتی دارم بدرگاه اله
(وصلت نامه، ۲۵)

چون ترا طاعت شد و ما را گناه حکمت این بازگو ای پیر راه
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۰۴)

جملات ندایی مشترک در آثار سه شاعر

برخی دیگر از جملات ندایی اسرار الشهود را تنها میتوان در آثار عطار نیشابوری، مولانا جلال الدین بلخی پیدا کرد. این جملات ندایی در آثار هیچ یک از شاعران فارسی زبان پیش از لاهیجی، به غیر از عطار و مولوی وجود ندارند. بسامد آنها نسبت به تعداد جملات ندایی در «اسرار الشهود»، ۴ درصد و نسبت به تکرار جملات ندایی ۵ درصد است.

ندا و منادای «ای مرد خام»

سایلی گفتش چرا ای مرد خام	این چنین بیکار بنشستی مدام؟ (مصیبت نامه، ص ۲۷۰، بیت ۳۳۱۴)
تا نگردی نیست از هستی تمام	چونکه پیغامبر بداده ست اَلسَّلام (دفتر دوم مثنوی، ص ۶۸۲، بیت ۲۷۷۴)
مکن هستی و در عین ادب باش	کی به وصل او رسی ای مرد خام (لاهیجی، ۱۳۶۸: ۳۶)
آنج نپسندی به خود ای شیخ دین	مکن اسرار ما ای شیخ دین، فاش (هیلاج نامه، ص ۱۰۲، بیت ۲۱۴۰)
آن یکی گفتش چگونه باشد این	چون پسندی بر برادر ای امین (دفتر ششم مثنوی، ص ۴۴۴، بیت ۱۵۶۹)
ندا و منادای «ای سلطان دین»	شرح این را بازگو ای شیخ دین (لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۲۴)
خواجۀ آکافی آن برهان دین	گفت سنجر را که ای سلطان دین (مصیبت نامه، ص ۲۱۲، بیت ۲۰۷۱)
مشکل ما حل کن ای سلطان دین	تا ببخشد حال تو ما را یقین (دفتر دوم مثنوی، ص ۹۲۸، بیت ۳۸۰۰)
پس بگفتندش که ای سلطان دین	از خدا بادا ترا صد آفرین (لاهیجی، ۱۳۶۸: ۱۰۴)
ندا و منادای «ای مرد دین»	
حکمت یشرب بست ای مرد دین	خاک بر یونان فشان از درد این (منطق الطیر، ص ۲۷۸)
یک سلامی نشنوی ای مرد دین	که نگیرد آخرت آن آستین (دفتر سوم مثنوی، ص ۸۶۰، بیت ۳۳۵۸)
صحبت طالب طلب ای مرد دین	هر که طالب نیست زو دوری گزین (لاهیجی، ۱۳۶۸: ۲۸)

نوآوریهای لاهیجی در خلق منادا

اسیری لاهیجی صاحب ابتکاراتی در خلق منادا است و در این زمینه دست به نوآوریهای زده است. ابتکارات شاعر قرن نهم هجری، میتواند از یافته‌های این پژوهش در حوزه سبک‌شناسی جملات ندایی باشد. طی بررسیهای انجام شده به نظر میرسد کلیۀ جملات ندایی زیر، تنها در مثنوی «اسرار الشهود» شمس الدین محمد اسیری لاهیجی وجود داشته باشد.

ای مرد سست (لاهیجی، ۴۷)، ای راه بین (همان، ۲۸)، ای راهرو (همان، ۱۱ و ۱۰۷ و ۱۱۹)، ای مرد راه (همان، ۲۹ و ۶۴)، ای سالکان (همان، ۱۰۳)، ای رازجو (همان، ۳۹)، ای مونسیم (همان، ۳۴)، ای شیخ عزیز (همان، ۶۳)،

ای شیخ انام (همان، ۵۹)، ای شیخ غیور (همان، ۱۲۲)، ای بحر صفا (همان، ۶۴)، ای خوش پیام (همان، ۶۴)، ای دانای کل (همان، ۴۳)، ای دانای دین (همان، ۳۳)، کای ناخوش منمش (همان، ۷۶)، ای نیکو نهاد (همان، ۷۶)، ای مرد عنود (همان، ۶۱)، ای بیدلان (همان، ۸۶)، ای بی صفا (همان، ۹۳)، ای خاص اله (همان، ۱۱۸)، ای رب الوری (همان، ۶۵)، ای منزله ذاتت از فهم عقول (همان، ۳۲)، ای مونس جان و روان (همان، ۱۰۳)، ای داندۀ راز نهران (همان، ۱۲۲)، ای تو واقف بر ضمیر نیک و بد (همان، ۱۲۲)، ای لطف خدا را گشته صید (همان، ۶۰)، ای درگهت خیر المآب (همان، ۳۴)، ای کان وفا (همان، ۲۶)، ای کریم منعم و پروردگار (همان، ۷۸)، ای کریم کارساز دادگر (همان، ۱۲۲)، ای داندۀ فاش و نهران (همان، ۱۱۷)، ای رهبر راه خدا (همان، ۸۷)، ای پادشاه ملک و دین (همان، ۷۵)، ای شهزادۀ نیکوخصال (همان، ۱۰۴)، ای جان و دلم را برگ و ساز (همان، ۷۲)، ای استاد استادان دین (همان، ۲۲)، ای امین سیر رب (همان، ۱۲۲)، ای از درد عشقش چاره جو (همان، ۸۵)، ای خداوند کریم کارساز (همان، ۵۵)، کای خداوند سبب ساز کریم (همان، ۱۰۶)، ای خدای صاحب جود و کرم (همان، ۱۲۰). بسامد جملات ندایی نوآورانه اسیری لاهیجی، نسبت به تعداد جملات ندایی این مثنوی ۳۷ درصد است.

نتیجه گیری

از شاعران و عارفان نامدار اواخر سبک عراقی، شمس الدین محمد بن یحیی اسیری لاهیجی، شارح مثنوی «گلشن راز» شیخ محمود شبستری و صاحب مثنوی «اسرار الشهود» است. این مثنوی مشتمل بر تحقیقات و تمثیلات عرفانی است و در آن مطالب اخلاقی و عرفانی و آموزه های سیر و سلوک، ضمن بیان حکایاتی از بزرگان متصوفه مطرح سخن واقع شده است. در پژوهش حاضر سعی بر آن شد که ویژگیهای سبک شناسانه جملات ندایی در مثنوی اسرار الشهود بررسی شود. با توجه به کاربرد فراوان ساختهای ندایی در این مثنوی، جملات ندایی به طور کامل از هم تفکیک و شمرده شدند و بر اساس جامعه آماری، لاهیجی از یکصد و یازده جمله ندایی، صد و هفتاد و شش مرتبه در متن این مثنوی بهره برده است. بالاترین بسامد در میان حروف ندایی، حرف نقش نمای «ای» و بالاترین بسامد میان واژگان منادا، «خداوند» است. لاهیجی در این مثنوی از منادای مذکور صریح و کنایه بهره برده است، اما از اسم کنایه بصورت ضمیر تنها یک بار استفاده شده است. وی همچنین در جملات ندایی غیر مذکور، عبارتهای تاویل پذیر وصفی را به منادا نسبت داده است. در حکایاتی که نقل میشود گاه از بزرگان متصوفه در مقام ندا نام برده میشود، اما نامهای اشخاص در حالت ندایی بسیار نادر یافت میشود و تنها یک درصد از نداها را به خود اختصاص داده است. اشخاص منفی در مثنوی اسرار الشهود افرادی بی خبر، خام، و بوالفضول هستند که از معرفت نفس و معرفت الهی و طریق استکمال بی بهره هستند. لاهیجی این اشخاص را با اوصافی که برای آنها انتخاب کرده است مورد خطاب قرار میدهد. این گونه جملات ندایی در مجموع شش درصد از جملات ندایی در اسرار الشهود را تشکیل میدهند. از یافته های دیگر این تحقیق، تاثیرپذیری آشکار لاهیجی از عطار و مولوی است، چنان که برخی از جملات ندایی این مثنوی تنها در آثار دو عارف قرن ششم و هفتم یافت میشوند. همچنین لاهیجی صاحب ابتکاراتی در خلق منادا است. ابتکارات شاعر از یافته های این تحقیق در حوزه سبک شناسی جملات ندایی است که میتواند در پژوهشهای آینده سبک شناسی موثر واقع شود. از نظر محتوا، غالباً پیامی که به منادا انتقال داده میشود آموزه های عرفانی گوناگونی از جمله طلب عشق الهی، طلب بی نیازی از خلاق، ترک دنیا

دنی، مفاهیم محو و فنا و بقا، طریق وصال و برخی از ویژگیهای فضائل و رذایل اخلاقی است، در این مثنوی حروف نقش نمای ندا همواره در جایگاه ندایی قرار ندارند و گاه افاده تعجب، افسوس و یا بیان آرزو میکنند.

تشکر و قدردانی

نویسنده این مقاله بر خود لازم میدانم مراتب تشکر و قدردانی خود را از گروه محترم زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز اعلام نماید.

تعارض با منافع

نویسنده این مقاله گواهی مینماید که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی نویسنده است و نسبت به آگهی و انتشار آن رضایت کامل دارد. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Agha Hosseini, Hossein, Hematian, Mehboobeh, Moshaveri, Zahra. (2013). The position of "Neda" and "Monada" in Persian grammar and semantic science, "Literary Artifacts" publication, Isfahan University, 6th year, 2nd issue. pp: 1 to 14.
- Ahmadi Givi, Hassan, Anuri, Hassan. (2018). Persian Grammar 1, 4th edition, Tehran: Fatemi Publications.
- Lahiji's captivity Shamsuddin Mohammad. (1989). Asrar al-Shohoud, edited by Seyyed Ali Al Dawood, Tehran: Institute of Human Sciences and Cultural Studies.
- Khayampour, Abdul Rasool. (2004). Persian Grammar, Ch 12, Tabriz: Sotoudeh Publications.
- Dekhoda, Ali Akbar.(1998). Dictionary, Tehran: University of Tehran.
- Rezanjad, Gholamhossein.(1988). Principles of Rhetoric in Persian, Tehran: Al-Zahra Publications.
- Zamani, Karim. (2004). The comprehensive description of Masnavi Manavi, 7th edition, Tehran: Information Publications.
- Sajjadi, Seyyed Jafar. (1991). A Dictionary of Mystical Terms and Interpretations, Tehran: Tahori.
- Attar Neishabouri, Sheikh Farid al-Din Muhammad bin Ibrahim. (1984). Reference letter, to the capital of Seyyed Muhammad Mir Kamali, Tehran: Islamia Press.
- Attar Nishaburi, Sheikh Farid al-Din Muhammad bin Ibrahim. (1984). Hilaj Nameh, Tehran: Sanai Library.
- Attar Nishaburi, Sheikh Farid al-Din Muhammad bin Ibrahim. (2007). Tragedy, introduction, correction and notes of Mohammad Reza Shafi'i Kodkani, first edition, Tehran: Sokhn Publications.
- Attar Nishaburi, Sheikh Farid al-Din Muhammad bin Ibrahim. (2021). Logic of al-Tir, with an introduction and proofreading by Hamid Hamid, Tehran: Tolo Publications.

Maulavi, Jalaluddin Mohammad. (1993). The generalities of Diwan Shams Tabrizi, according to the corrected version of Badi al-Zaman Forouzanfar, Tehran: Rad publication.

فهرست منابع فارسی

- آقاحسینی، حسین، همتیان، محبوبه، مشاوری، زهره. (۱۳۹۳). جایگاه «ندا» و «منادا» در دستور زبان فارسی و علم معانی، نشریه «فنون ادبی»، دانشگاه اصفهان، سال ششم، شماره دوم. صص: ۱ تا ۱۴.
- احمدی گیوی، حسن، انوری، حسن. (۱۳۹۰). دستور زبان فارسی ۱، ویرایش چهارم، تهران: انتشارات فاطمی.
- اسیری لاهیجی. شمس‌الدین محمد. (۱۳۶۸). اسرار الشهود، تصحیح سید علی آل داود، تهران: مؤسسه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- خیامپور، عبدالرسول. (۱۳۸۴). دستور زبان فارسی، ج ۱۲، تبریز: انتشارات ستوده.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران.
- رضانژاد، غلامحسین. (۱۳۶۷). اصول علم بلاغت در زبان فارسی، تهران: انتشارات الزهراء.
- زمانی، کریم. (۱۳۸۴). شرح جامع مثنوی معنوی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات اطلاعات.
- سجادی، سید جعفر. (۱۳۷۰). فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، تهران: طهوری.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد بن ابراهیم. (۱۳۳۶). وصلت‌نامه، به سرمایه سید محمد میرکمالی، تهران: چاپ اسلامی.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۳). هیلاج‌نامه، تهران: کتابخانه سنایی.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۶). مصیبت‌نامه، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمد رضا شفیعی کدکنی، ویرایش اول، تهران: انتشارات سخن.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد بن ابراهیم. (۱۴۰۰). منطق الطیر، با مقدمه و تصحیح حمید حمید، تهران: انتشارات طلوع.
- مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۷۲). کلیات دیوان شمس تبریزی، مطابق نسخه تصحیح شده بدیع الزمان فروزانفر، تهران: نشر راد.

معرفی نویسنده

سعید محمدی کیش: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

(Email: saeid.s.mohamadikish@iaushiraz.ac.ir)
(ORCID: 0000-0003-1428-4369)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the author

Saeed Mohammadi Kish: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Law and Humanities, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

(Email: saeid.s.mohamadikish@iaushiraz.ac.ir)
(ORCID: 0000-0003-1428-4369)